

آمار ساخت خانه ۴۰ درصد کمتر از مسکن مهر

صفحه ۸



پوست موز را ببینید

انتشار چند فیلم مشکوک در موضوع حجاب هشدار روشنی درباره به انحراف کشاندن مطالبات اجتماعی می‌دهد

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید رادیو مضمون:
روایت‌های جنگ

شماره مسلسل ۳۶۵۱
پخشیه ۲۵ تیر ۱۴۰۲
۱۳۴۴
۱۶ چواری ۲۰۲۳
شماره ۳۹۱۳

www.fdn.ir | Sun | 16 Jul 2023 | vol.15 | No. 3913 | 16 Pages

با وجود تعداد تصادف برابر، فوتی‌های سوانح کشور ۴ برابر ترکیه است

۲۰۶ و لندکروز فرق دارند!

گفت‌وگوی «فرهیختگان» در باب اشکال لیبرالیسم با حسین هوشمند

لیبرالیسم والزی هم فرصت آموزش برابر را فراهم می‌کند

۱۵، ۱۶

«فرهیختگان» ابعاد مختلف سومین رویداد کرسی‌های آزاداندیشی را بررسی کرد

تمرین گفت‌وگو به وسعت ایران

۱۵، ۱۶

به بهانه احتمال اکران «اوپنهایمر» نولان اثر فیلم خارجی بر بازار ایران را بررسی کردیم

فیلم خارجی سینما را نه کور می‌کند نه شفا می‌دهد

۱۲

سر مقاله

شما واقعاً نگران آرمان‌ها هستید؟

پنچیده امنیتی علیه ایران به‌مثابه دمنده به شعله و جرقه‌ای که همه چیز را مشتعل کرد، در مورد دو مولفه اول فعلا حرفی ندارم ولی این آخری که دست خودمان است...

شاید عده‌ای بگویند این موضع عین انفعال است، اما باور کنید هیچ چیز به اندازه ارتجاع به اشتباهات گذشته منفعلانه نیست و هیچ چیز به اندازه تدبیر برای متلاطم نکردن جامعه ایرانی عقلانی و از موضع فعال نیست.

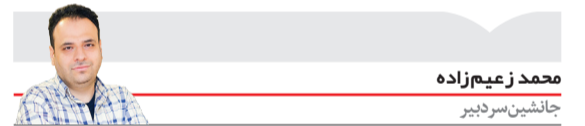
انفعال آن است که از ترس بی‌ایده بودن و نداشتن ابتکار یک روش منسوخ و قدیمی را که هیچ مطالعه‌ای اثرگذاری آن را تایید نمی‌کند تکرار کنیم، انفعال آن است که مرغ یک پا داشته باشد، انفعال آن است که نخواهیم نتایج اقدامات مان مورد مطالعه قرار گیرد و بدون شواهد متقن سیاستگذاری کنیم، انفعال آن است که حتی به دلسوزان انقلاب و کسانی که موافق حجاب هستند هم پاسخ ندهیم که این مسیر تاکنون چه ثمراتی برای ما داشته است؟

روز به روز به حجم شبهات اضافه کنیم تا حتی عده‌ای شک کنند که نکنند واقعا در هسته‌های تصمیم‌گیری در حوزه اجتماعی نفوذی صورت گرفته باشد.

حجاب یک واجب شرعی است که حکومت ملزم است درباره‌اش دخالت موثر کند. دعوا دقیقا نه بر سر اصل حجاب یا اصل دخالت حکومت، بلکه بر سر موثر بودن این روش هاست، اوضاع حجاب هر طور که هست حاصل اتفاقات یک‌سال و دو سال نیست، سیاستگذاری چنددهه‌ای در حوزه‌های اقتصاد و فرهنگ و سیاست و... و برخی کز کار کردی‌ها در اجرای ارزش‌های پایه جامعه چون عدالت و آزادی را تحت تاثیر قرار داده است و تا این ارزش‌ها گام به گام بهبود پیدا نکنند، اتفاق مثبت مهمی در مقوله پوشش و حجاب هم نمی‌افتد.

می‌گویند جان‌مایه استکبارستیزی قاعده نفی سبیل است، یعنی هر کس هر چقدر مسیر را برای تسلط استکبارستیزی فراهم کند به استکبار خدمت کرده، اینکه بدانیم ایران ستیزان طراحی پیچیده‌ای دارند و همزمان راه را برای سوءاستفاده آنها فراهم کنیم، آیا با فریادهای استکبارستیزانه جور درمی‌آید؟

آیا شما واقعا دل‌تان به حال آرمان و آرمان‌ها می‌سوزد؟



محمد زعیمازاده

جانشین سرمدیر

هر از چند گاهی که احساس می‌کنم دچار روزمرگی شده‌ام، یک فیلم را که از ۱۴۰۱ ذخیره کرده‌ام می‌بینم؛ صحنه‌های شگفت‌انگیز آرمان‌

علی‌وردی عزیز توسط عده‌ای اراذل را می‌گویم. لحظات سختی است، هر بار که می‌بینم نفسم بند می‌آید، بغض و خشم توأمان روحم را می‌خراند، اما تماشایش برایم از سه جهت لازم است؛ اول تماشای صلابت و استحکام و ایمان آرمان و آرمان‌ها و یادآوری فاصله نجومی نگارنده با امثال آنها، دوم مرور خباثت‌های عمده‌های دشمنان این آب و خاک و سوم اینکه یادمان نرود آن روزهای سخت راه، روزهایی که طراحی پیچیده دستگاه‌های امنیتی جبهه ضد ایران دقیقا در نقطه غفلت و اصرار ما بر اشتباهات مان عمل کرد.

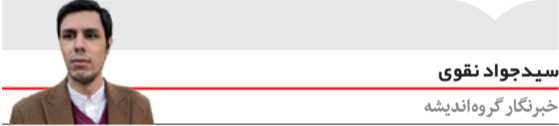
چند روزی است فیلم‌هایی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شوند، تصویری از زو خورد در تجمع با موضوع حجاب، ویدئویی کارگردانی شده که فردی با صدای دالایی به کم‌حجاب‌ها تذکر می‌دهد و مثل بازی‌های کامپیوتری تصویری فردی به حجاب به عنوان متهم نقش می‌بندد و... رسانه‌های رسمی و تلویزیون هم تمام‌قد آمده‌اند پای کار و...

به تابستان ۱۴۰۱ برگردیم، سال قبل شاید همین روزها بود که ویدئویی در فضای مجازی به شکل گسترده توزیع شد، خانمی به‌ون گشت ارشاد التماس می‌کرد فرزندش را نبرند چون بیماری دارد، چند روز بعد تلویزیون به ماجرای سپیده رشنو پرداخت و بعد هم ماجراهای شهریور ۱۴۰۱ و...

نمی‌خواهم پیشگویی کنم، تحلیل امنیتی هم ندارم اما حافظه تاریخی چرا. می‌گویند برای روشن کردن آتش سه پارامتر لازم است، مواد قابل اشتعال، هوا و البته جرقه! بیا ببیند وقایع ۱۴۰۱ را در یک خط مرور کنیم، انباشت نارضایتی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، هویتی به‌مثابه مواد قابل اشتعال، طراحی

یادداشت

بازگشت به نقطه صفر؟



سید جواد نقوی

خبرنگار گروه اندیشه

فیلمی از خیابان اندرزگو در حال پخش است که ظاهرا بازگشت به نقطه صفر است. در این فیلم عده‌ای که معلوم نیست دقیقا چه هدفی دارند به صورت آمرانه ترویج حجاب می‌کنند. فارغ از آنکه این چنین فیلم‌هایی چقدر به شکاف فرهنگی و اجتماعی کمک می‌کند و خوراک دسته اول به شبکه‌های مثل منووتو و اینترنشنال می‌دهد، اما در یک سطح مهم‌تر، ظاهرا بخشی از حکمرانی ما و بخشی از نیروهای مروج حجاب اصلا تحولات سال ۱۴۰۱ را متوجه نشده‌اند و مجدداً به همان نقطه صفر بازگشت کرده‌اند! آنچه در این یادداشت قصد دارم بیان کنم چرایی این عدم فهم است و اینکه چرا مجدداً به نقطه‌ای بازگشت صورت گرفته است که گویی اصلا تجربه‌ای وجود ندارد.

مرحله یک: هایدگر در مقاله‌ای به نام عصر تصویر جهان در حال نشان دادن تمایز جهان مدرن و پیشامدرن است. او معتقد است انسان مدرن در حالتی «تمثیلی» قرار دارد یعنی انسان مدرن در قلمروی تجویزی است و انسان جدید خود را مدام مستقر در تصویر فهم می‌کند و انسان به‌عنوان سوزهای جدید، ابژه تصاویر جدید در عالم می‌شود و اینجاست که تفاوت انسان جدید و انسان پیشامدرن خود را نشان می‌دهد. برای ادامه بحث باید به جز توجه به هایدگر از روش دیرینه‌شناسی فوکو در تاریخ هم استفاده کرد.

مرحله دو: فوکو در روش دیرینه‌شناسی به دنبال پاسخی برای چرایی شروع یک واقعه و امتداد آن در دل تاریخ است. در واقع بیش از آنکه خود تاریخ مدنظر باشد، چرایی ظهور و امتداد یک واقعه اهمیت دارد. در بحث حجاب با توجه به روش تبارشناسی فوکو ما می‌دانیم پهلوی اول برای آنکه بتواند تجدد آمرانه خود را به جامعه تحمیل کند، در اولین قدم‌ها دست به تغییر در پوشش زنان زده است. این لحظه همان وضعیتی است که فوکو در دیرینه‌شناسی مطرح می‌کند. پس مشخص است تغییرات در حوزه پوشش زنان به شدت تحت تاثیر سیاستی که پهلوی اول دنبال می‌کرد، بوده است. آنچه مشخص است، در این مقطع هر چند هم راستایی‌هایی با این سیاست صورت گرفته است اما مقاومت‌های وسیعی که یک نمونه آن واقعه گوهرشاد است نیز در این دوره وجود داشته است.

مرحله سه: اما آنچه در دوره پهلوی اول خیلی موفقیت‌آمیز نبود و به روش فوکویی متوجه شدیم که چرا شروع شد، در دوره پهلوی دوم و با ظهور دهه ۴۰ و به علت شکل تازه‌ای از توسعه‌آمرانه، جامعه و بخشی از شهرهای بزرگ‌تر همان طور که به مقاله هایدگر اشاره کردم در وضعیت تمثیلی از بی‌حجابی قرار گرفتند. یعنی جامعه‌تصویری که از زنان مطلوب مشاهده می‌کرد از طریق سینما و تلویزیون آن مقطع و حتی مجله زن روز، تصویری بود که بی‌حجابی یا عدم حجاب فضیلتی است برای ترقی و توسعه کشور! به تعبیری بی‌حجابی بدن زنان در پهلوی دوم به منزله ابژه‌ای در ذهن زنان و جامعه شکل گرفته و مستقر شده است که زن توسعه‌یافته باید به شکلی که حکومت وقت شکل داده است خود را نشان دهد.

مرحله چهار: شکست. سوسن شریعتی دختر دکتر علی شریعتی در مقاله‌ای به نام آفات انقلابی شدن، پروژه چگونه با حجاب شدن خود بیرون از پروژه تمثیلی پهلوی را این گونه بیان می‌کند. چون قصد داشته است بیرون از ساحتی که پهلوی آمرانه و یکپارچه شکل داده است، حرکت کند با در نظر گرفتن وجه سیاسی تصمیم گرفته است با پوششی در عرصه عمومی حاضر شود که بیرون از تصویر مطلوبی که پهلوی ترویج می‌کرده است، باشد. به نوعی او به درستی نشان می‌دهد آنجایی این وضعیت ابژه‌وار زنان در جامعه بیرون از وضعیت مد نظر پهلوی شکل گرفته است که منتقدان و مخالفان توانسته‌اند نشان دهند زنان موفق فقط زمانی نیستند که با تصویری که جهان سرمایه‌داری و پهلوی دوم به صورت درهم تنیده‌ای در حال ترویج هستند، همراه باشند بلکه بیش از آنکه پوشش خاستگاه تحولات باشد، اندیشه است که می‌تواند نشان دهد «ما»ی جمعی بیرون از عصر تصویرهای سرمایه‌داری از زنان هم می‌تواند رخ دهد.

مرحله پنج: اعتراضات در پس فوت مهسا امینی به خوبی نشان داد که حکمرانی، بی‌توجه به تصویر عصر حاضر و نقطه شروع بی‌حجابی است. یعنی حکمرانی فکر می‌کرد بیش از چند دهه توسعه‌آمرانه تصویری خاص از زنان در ایران در پیشاانقلاب و ایضا تصویری که به واسطه تحولات اجتماعی از دهه ۷۰ در ایران با ظهور پلتفرم‌های مجازی شروع شده است، خنثی است و نمی‌تواند تصویری را از جامعه زنان به نمایش بگذارد که متفاوت از دیدگاه‌های الهیاتی حکمرانی باشد و این دقیقا همان نقطه اصلی بحث است که آیا حکمرانی مثل آن لحظه‌ای که سوسن شریعتی به سمت بیرون از فضای خاص آن مقطع حرکت کرده است، می‌تواند حرکت کند؟

مرحله شش: تصاویر خیابان اندرزگو نشان می‌دهد نه تنها تجربه اعتراضات سال ۱۴۰۱ نتوانسته افقی نشان دهد تا حکمرانی از آن استفاده کند، بلکه مجدداً به دوره پیش از اعتراضات و نقطه صفر بازگشت صورت گرفته است. اینکه بازبانی سخت و دستوری ترویج حجاب شود نشان می‌دهد افراد متوجه تحولات عصر نشده‌اند و ظاهرا نمی‌دانند ما در عصر تصویر «بی‌حجابی» هستیم که بسیار فرق دارد با تصویری که در دهه‌های گذشته مثل دهه ۶۰ یا ۷۰ وجود داشته و این شکل ترویج نشانگر پذیرش شکست است!

مرحله هفت: در عصر ما که تصویر مطلوب نظام سرمایه‌داری تصویر بی‌حجابی و ابژگی زنان است که حتی فمینیسم متاخر در غرب را هم دچار نوعی آشفتگی کرده است که آیا اصلا می‌توان بیرون از ساحت دیگر بودگی مردانه زیست کرد؟ یا برای کش مطلوب باید ابتدا خود را دیگری مردانه تعریف کرد و پس از آن چاره‌ای اندیشید! در چنین شرایطی فیلم‌هایی مثل خیابان اندرزگو نه ترویج حجاب و نه کمک کردن به حکمرانی است بلکه نشان می‌دهد شکست در این عرصه پذیرفته شده و تنها راه مانده، شکل دستوری و خشن است.

مرحله هشت: حکمرانی اگر قصد دارد مساله را بیرون از تصویر تمثیل گونه نظم سرمایه‌داری شکل دهد، بیش از آنکه به مروج خیابانی حجاب به شکل گذشته نیاز داشته باشد به مروجان فکر حجاب در ساحت اندیشه و فلسفه سیاسی و اجتماعی نیاز دارد. در غیر این صورت بازگشت به نقطه صفر یعنی بازگشت به گسست اجتماعی و خلق بحران‌های جمعی وسیع‌تر.

رادیو مضمون
کاری از گروه پادکست‌های
همیشه در میان و روزنامه فرهیختگان

مضمون
@radiomazmoon